اعوذ بالله من الشیطن الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

جادوی شیاطین (قسمت شصت و نه)

آخر الزمان (قسمت ۷)

دفع کردن دیوها (بخش ۳)

شیاطین در جایی میان انسانها در کره زمین فرود می آیند که تغذیه معنوی داشته باشند و در این حالت دیو نامیده میشوند. در این حالت توجه آنان به این مکانها و زمانها معطوف میشود. در مکانها و زمانهای بخصوصی، شیاطین بر دنیای انسانها تنزل پیدا میکنند. در آخر دوره ها و عصرها، تنزل و فرود آمدن شیاطین به دنیای انسانها بسیار جدی تر خواهد بود. در این حالت دیوها، بحرانهای اخلاقی، اجتماعی، سیاسی

در جهان بوجود خواهند آورد و سوره العصر راه حل برون رفت از این بحران را به ما ارائه میدهد.

براساس سوره العصر، دستور پندار نیک، کردار نیک، گفتار نیک، گفتار صبر مهمترین روش برای دَک و دفع کردن دیوهاست. البته عکس این قضیه یعنی دوری از پندار بد، کردار بد، گفتار بد هم در فرآیند رجم دیوها به همان اندازه مهم است. پندار و گفتار و کردار نیک، و همچنین دوری از پندار و کردار و گفتار بد ؛ جایی برای تغذیه شیاطین نمی گذارد و آنها تسلطشان را نسبت به انسانها از دست میدهند و از آن محیط فرار می کنند. این مهمترین نکته در دفع کردن دیوهاست.

وَالْعَصْرِ ﴿١﴾
سوگند به عصر [دوره زمانی] (۱)

إِنَّ ٱلْإِنسَـٰنَ لَفِي خُسْرٍ ﴿٢﴾
که واقعا انسان دستخوش زیان است (۲)

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا ٱلصَّـٰلِحَـٰتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ ﴿٣﴾
مگر کسانی که ایمان آورده و کارهای نیک کرده و همدیگر را به حق سفارش و همدیگر را به شکیبایی توصیه کنند (۳)

خدا در قرآن، پندار نیک را ایمان می نامد، زیرا پندار وقتی مفید است که در راستای ایمان به خدا باشد. ما وقت کم داریم و نباید وقت خود را با پندارهای بیهوده تلف کنیم؛ بلکه باید هر آنچه که رستگاری ما را تضمین میکند و در آن راستا مفید باشد را مد نظر داشته باشیم. در عصر ما، مردم بوسیله فیلمها، آهنگها و کلیپها دچار خیالات و توهمات میشوند. این ها نوعی پندار بد است. پندار بد تا وقتی که در سطح پندار است، کسی آن را نمی بیند. البته این نوع پنهان سازی پندارها، خودش نوعی پوشاندن حقیقت است. گفتار ، بیرونی ترین لایه است که لایه های پندار و کردار را میتواند بپوشاند. افراد میتوانند با بیان آنچه که انجام نمی دهند، مردم را فریب دهند. کردار هم میتواند، پندار بد مردم را پنهان کند. اینها همگی نوعی ریاست. ریا نوعی عدم هماهنگی بین پندار و کردار و گفتار است. اگر این سه با هم هماهنگ و نیک نباشند، یعنی افراد در مرحله جادو و تسلط دیوها قرار گرفته اند. وقتی پندار و کردار و گفتار هر سه نیک باشند، افراد از تسلط و محدوده دسترسی دیوها خارج شده اند. برای خارج نشدن از این حالت، باید صبر و استقامت به خرج داد.

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿١٣﴾

محققا کسانی که گفتند پروردگار ما خداست سپس ایستادگی کردند بیمی بر آنان نیست و غمگین نخواهند شد (۱۳)

أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٤﴾

ایشان اهل بهشتند که به پاداش آنچه انجام می دادند جاودانه در آن می مانند (۱۴)

استقامت در راه خدا، از اصول اولیه جنگ با دیوهاست. صبر نکردن در این راستا، یعنی افراد تحمل و توانایی سنگینی دیوها را ندارند. به همین خاطر خدا در سوره العصر، روش نجات انسان را به چهار قسمت تجزیه میکند. که یکی از آنها، صبر است.

پندار نیک، کردار نیک، گفتار نیک، گفتار صبر

هر عمل و گفتاری و پنداری که تقدس برای غیر خدا ایجاد کند، باطل است. تقدس قائل شدن برای غیر خدا و ستایش و نیایش کردن غیر خدا، انرژیهایی ساطع میکند که منبع تغذیه دیوهاست. اعمال عبادی اعم از زکات و روزه و نماز و قربانی، به نوعی از بین بردن تسلط و ارتباط با دیوها است. نماز برای این است تا که این ارتباطات پنهانی را قطع کند.

از آن چیزی که برایت عزیز و مهم است باید ببخشی و گرنه مثل این است که به جای سر مار، دُم مار را زده باشی. بعضی ها به اشتباه، ارتباط با دیوها را بطور کامل قطع نمی کنند و این اشتباه است و به این طریق از دست دیوها خلاص نمیشوند.

لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّىٰ تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ ﴿٩٢﴾

هرگز به نیکوکاری نخواهید رسید تا از آنچه دوست دارید انفاق کنید و از هر چه انفاق کنید قطعا خدا بدان داناست (۹۲)

طهارت مقدمه تزکیه است. تا وقتی شما خودتان را از دیوها و شیاطین پاک نکرده باشید، به تزکیه دست نخواهید یافت. قرآن را فقط کسانی بطور صحیح می فهمند که طهارت باطنی داشته باشند.

لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ ﴿۷۹﴾

که جز پاک‌شدگان بر آن دست ندارند (۷۹)

تَنْزِيلٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿۸۰﴾

وحیی است از جانب پروردگار جهانیان (۸۰)

کسانی که کردار نیک و پندار نیک و گفتار نیک کافی انجام ندهند، پتانسیل گرایش به کردار بد و پندار بد و گفتار بد در آنها افزایش می یابد. دیده ای که بعضی ها می گویند که دلم پره! این گفته بعضی مواقع به آن معناست که افراد برای کردار نیک و پندار نیک و گفتار نیک تلاش نمی کنند تا از آن موقعیت خارج شوند و در نتیجه جو سنگینی بر روان آنان حکمفرماست. باید کردار نیک و پندار نیک و گفتار نیک بطور پیوسته جریان داشته باشد تا بتوانید از دست کنترل شیاطین نجات یابید.

شیاطین و دیوها این نکته را خوب میدانند و سعی دارند که این رابطه محکم را به هم ریزند. به نظر می رسد که دیوها، روابط سالم بین انسانها را از راه هایی که ما درک نمی کنیم، نابود می کنند، اما اکنون می توانیم نتایج بد این دخالت را ببینیم. انجام درست کارها از همان ابتدا از بسیاری از مشکلات در آینده جلوگیری می کند.

در سیستم و نظام غیر رحمانی، اعمالی لذت بیشتری دارد که خدا منع کرده است. دلیل لذت بیشتر این است که لذت کسب شده از نوع دیگری است و از نوعی نیست که جوینده دنبالش است. لذت حاصل از گناه، ربطی به عمل ندارد. مشروبات الکلی حاصل میوه های گندیده است ولی لذت این نوع مشروبات هیچ شباهتی به لذات حاصل از خوردن خود میوه ندارد و حتی نوع لذتهای آن دو متفاوت است. لذت حاصل از مشروب الکلی ، بخاطر خود میوه نیست. بلکه حاصل تسلط دیوها بر انسانهاست. لذتی که از مصرف مشروب الکلی بدست میاید حاصل از نشئگی و مستی ای است که برانسان مستولی میشود و به خود میوه ربطی ندارد و نوعشان کاملا متفاوت است. این گونه مواد، برای آنها حیات خلوت ایجاد میکند و به این طریق خود را به حیات خلوت می برند و اینها خلوتشان توی سیستم شیطانی است ولی از نعمات نظام رحمانی بطرز نادرست استفاده میکنند.

وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا إِلَى شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِئُونَ ﴿۱۴﴾

و چون با کسانی که ایمان آورده اند برخورد کنند می گویند ایمان آوردیم و چون با شیطانهای خود خلوت کنند می گویند در حقیقت ما با شماییم ما فقط [آنان را] ریشخند می کنیم (۱۴)

خساست و کینه و خیانت و سایر صفات شیطانی ، در حیات خلوت با شیاطین مجاز است و جزو لذتها بحساب میاید. کسی که خسیس است، خساست بر او چیره میشود و این همان تسلط دیوهاست. حس ناشی از این لذت فقط در نظام شیطانی قابل بیان است. در سیستم شیطانی، عشق ترویج میشود و همه لذتها را در عشق خلاصه میکند. اما در نظام رحمانی عشق یک مفهوم شیطانی است و خدای بجای عشق، مودت و رحمت را مطرح کرده است.

هر کسی باید توجه کند که حیات خلوت او کجاست. آیا حیات خلوت او در نظام رحمانی است یا در نظام شیطانی. وقتی افراد، پندار بد انتخاب میکنند ولی ظاهرا خود را خوب نمایش میدهند، یعنی حیات خلوت آنان در نظام شیطانی است. کسی که از نعمات خدا استفاده میکند ولی در تفریحات خود، از آهنگهای آلفایی و فیلمهای توهمی و خیانت و مشروبات الکلی و مخدرات استفاده میکند؛ یعنی حیات خلوت او با شیاطین است. بنده ی شکرگزار کسی است که از نظام رحمانی استفاده میکند و حیات خلوت و تفریح او در همان نظام رحمانی است. فلسفه شکرگزاری همین است.

وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ خِلْفَةً لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يَذَّكَّرَ أَوْ أَرَادَ شُكُورًا ﴿۶۲﴾

و اوست کسی که برای هر کس که بخواهد عبرت گیرد یا بخواهد سپاسگزاری نماید شب و روز را جانشین یکدیگر گردانید (۶۲)

ذُرِّيَّةَ مَنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا ﴿٣﴾

[ای] فرزندان کسانی که [آنان را در کشتی] با نوح برداشتیم راستی که او بنده ای سپاسگزار بود (۳)

فلسفه شکرگزاری این است که مومنان حیات خلوت و تفریح و سرگرمیشان در همان نظام رحمانی باشد. در تقویم ما حتی یک روز هم برای گرامیداشت خدایی که ما را خلق کرده و آنهمه نعمتهای گوناگون را به ما اعطاء نموده است، تعطیل نشده است. شایسته است که روزهایی به عنوان روز شکرگزاری از خدا، تعطیل ملی اعلام شوند و در آن روز مردم نسبت به نعمتهایی که خدا به آنان داده است، شکرگزاری کرده و از روزی های حلال خدای متعال به محرومان جامعه انفاق نمایند و شادی و تفریحات خویش را به خدا نسبت دهند.

فرد شکرگذار یعنی فردی که حیات خلوتی با دیوها ندارد و هر چه هست در نظام رحمانی است. ما روزانه در پنج نماز خویش، میگوییم الحمد لله؛ یعنی ستایش و شکرگزاری خود را به فقط خدا نسبت و اختصاص دهیم. وقتی توبه میکنید یعنی باید حیات خلوت با دیوها را ترک کرده و به نظام رحمانی برگردید. متاسفانه انسان بسیار ناسپاس است و تفریحات و جشن های خویش را به نظام شیطانی اختصاص میدهد (آهنگهای آلفایی و اشعار و فیلمهای منحرف و توهمی و مشروبات الکلی و مواد مخدر جزو حیات خلوت با شیاطین است)؛ در حالیکه او از نعمات خدا استفاده میکند. شاعر میگوید آنم آرزوست که یافت می نشود. **تفکرات شعراء مردم را به حیات خلوتها می**

کشاند و آنان را نسبت به نظام رحمانی مشکوک میکند و می راند. زیرا آنچه آنان میخواهند در نظام رحمانی نیست. وقتی شاعر می گوید آنم آرزوست که یافت می نشود، **یعنی دلش حیات خلوت با شیاطین میخواهد ولی نمیتواند با زبان بشری بیان کند که آن چیز چیست.**

قُتِلَ الْإِنْسَانُ مَا أَكْفَرَهُ ﴿١٧﴾

کشته باد انسان چه ناسپاس است (١٧)

در آخر عصرها، اجنه و شیاطین بصورت تنزل یافته یعنی دیو به دنیای انسانها حمله میکنند ولی اینبار برخلاف زمان زرتشت؛ ما آنها را بطور جسمانی نمی بینیم. از بین رفتن ارزشهای اولیه رحمانی در میان مردم؛ نشانه حمله شدید شیاطین به دنیای انسانهاست. با تغییر دوره و عصر؛ انسان و محیط زندگی او هبوط میکند. شیاطین هم ضعیف تر میشوند و تسلط سابق را از دست میدهند.

پیامبر ابراهیم، خدا را سرور و بزرگِ خود میدانست. اما بیشتر مردم خدا را بزرگ خود نمی دانند. یکی پیش پزشک می رود و پزشک به او میگوید که اگر فلان غذا را بخورید، می میرید؛ فرد به حرف پزشک گوش میکند و عمل میکند و دیگر آن غذا را نمی خورد. او قرصهای پزشک را با دقت و سر وقت میخورد. اما خدای مهربان نصیحتهای مهربانانه ای در کتابش به ما میکند و انسان متاسفانه گوش نمی کند و

برای خدا هیچ قدر و حرمتی قائل نیست. ما باید فقط خدا را بزرگ و سَرور خویش بدانیم. هیچکسی نباید در کنار خدا قرار گیرد و باید خدا در همه حال بزرگتر باشد.

در نظام رحمانی، مردم به اعمالی همچون نماز و روزه و زکات نیاز دارند ولی در نظام شیطانی مردم نماز بجا نمی آورند و یا با کسالت و تنبلی انجام میدهند؛ زیرا نیازی به آن ندارند. کسانی که نماز بجا نمی آورند، در واقع محیط خانواده خود و در مرحله بعدی، محیط جامعه را به خطر می اندازند. پرندگان و حیوانات و سایر موجودات همگی نماز و تسبیح خود را میدانند زیرا به آن نیازمندند و انجامش میدهند.

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُسَبِّحُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالطَّيْرُ صَافَّاتٍ كُلٌّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ وَتَسْبِيحَهُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ ﴿۴۱﴾

آیا ندانسته ای که هر که [و هر چه] در آسمانها و زمین است برای خدا تسبیح می گویند و پرندگان [نیز] در حالی که در آسمان پر گشوده اند [تسبیح او می گویند] همه ستایش و نیایش خود را می دانند و خدا به آنچه می کنند داناست (۴۱)

اما انسانها به طرق مختلف از ماندن در نظام رحمانی سرباز میزنند. خدا یک سری ابزارها برای ماندن و استقامت ما در نظام رحمانی قرار داده است. نماز یکی از این ابزارهاست. خیلی از مردم نسبت به این موضوع غافلند و از این ابزار و نعمت بزرگ استفاده نمی کنند و نسبت به انجام نماز سهل انگارند.

الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ ﴿۵﴾

که از نمازشان غافلند (۵)

الَّذِينَ هُمْ يُرَاءُونَ ﴿۶﴾
آنان که ریا می کنند (۶)

وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ ﴿۷﴾
و از [دادن] زکات [و وسایل و مایحتاج خانه] خودداری می ورزند (۷)

در نظام شیطانی، براحتی نمازها ضایع میشوند. مردم در حیات خلوت خویش، نمازها را ضایع میکنند. مردم دیگر انواع کلیپهای نامناسب را در اینترنت جستجو میکنند ولی جالب است که همزمان آن را نکوهش هم میکنند! در حالی که باید اصلا نمی بایست جستجو و کنجکاوی می کردند. این نوع کنجکاوی خودش جزو تله های شیاطین است. ضایع کردن نماز به این معناست که وقتشان را با این کارها تلف میکنند و تاثیر نماز را خنثی میکنند.

فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غَيًّا ﴿۵۹﴾
آنگاه پس از آنان جانشینانی به جای ماندند که نماز را تباه ساخته و از هوسها پیروی کردند و به زودی [سزای] گمراهی [خود] را خواهند دید (۵۹)

إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ شَيْئًا ﴿۶۰﴾

مگر آنان که توبه کرده و ایمان آورده و کار شایسته انجام دادند که آنان به بهشت درمی آیند و ستمی بر ایشان نخواهد رفت (۶۰)

جَنَّاتِ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدَ الرَّحْمَنُ عِبَادَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّهُ كَانَ وَعْدُهُ مَأْتِيًّا ﴿۶۱﴾

باغهای جاودانی که [خدای] رحمان به بندگانش در جهان ناپیدا وعده داده است در حقیقت وعده او انجام‌شدنی است (۶۱)

گاهی بعضی افراد آنقدر غرق در فیلمهای ماهواره ای و اینترنت هستند که نمازشان را به زمان پخش پیام بازرگانی می اندازند. آنها برای تفریحات خویش زمانبندی خاصی دارند، اما برای نماز ندارند. شیاطین و یا دیوها در اوقات و اماکن خاصی بر انسانها تسلط بیشتری پیدا میکنند و به همین خاطر خدای حکیم می فرماید که نماز ، یک کتاب مبتنی بر زمان و وقت است. (إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا)**. خدا نماز را کتاب زماندار می نامد. هر آن چیزی که خدا آن را کتاب بنامد، یعنی ما برای زندگی در نظام رحمانی به آن نیازمندیم و جزو اصول اولیه برنامه زندگی ما باید باشد.**

نماز نوعی برنامه ریزی است تا نماز بعدی. هر نمازی ما را تا نماز بعدی بیمه میکند و از تسلط دیوها ما را دور نگه میدارد. با قیام، رکوع و سجود؛ هر بار؛ خودمان را ویروس کشی میکنیم و از حیات خلوت شیاطین خارج میشویم و به دنیای واقعی میاییم. نماز برای قطع ارتباط با حیات خلوت شیاطین و برگشت به دنیای واقعی است.

هبوط انسانها زمانی پیش میاید که مشکلات از سطح جامعه به سطح خانواده ها و به سطح ازواج برسد. در این حالت سقوط بشر به حد نهایی خویش میرسد و در این حالت عصر و زمانه عوض میشود.

وقتی در جامعه و خانواده عفو و گذشت پیشه سازید؛ مثل این است که به خدا قرض داده باشید و در این حالت نزد خدا ، برای خود اندوخته جمع کرده اید. بندگان رحمان کاری انجام نمی دهند که از نظام رحمانی خارج شوند و خشم خویش را کنترل میکنند. خارج نشدن از نظام رحمانی در میانه مشکلات و سختی ها بسیار با ارزش است و خدا این افراد را بندگان خود می نامد و برای آنان بهشت برین ساخته است.

وَعِبَادُ الرَّحْمَٰنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا ﴿۶۳﴾

و بندگان خدای رحمان کسانی اند که روی زمین به نرمی گام برمی دارند و چون نادانان ایشان را طرف خطاب قرار دهند به ملایمت پاسخ می دهند (۶۳)

وَالَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَامًا ﴿۶۴﴾

و آنانند که در حال سجده یا ایستاده شب را به روز می آورند (۶۴)

وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا ﴿۶۵﴾

و کسانی اند که می گویند پروردگارا عذاب جهنم را از ما بازگردان که عذابش سخت و دایمی است (۶۵)

إِنَّهَا سَاءَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا ﴿۶۶﴾

و در حقیقت آن بد قرارگاه و جایگاهی است (۶۶)

وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَٰلِكَ قَوَامًا ﴿۶۷﴾

و کسانی اند که چون انفاق کنند نه ولخرجی می کنند و نه تنگ می گیرند و میان این دو [روش] حد وسط را برمی گزینند (۶۷)

وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَٰهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَٰلِكَ يَلْقَ أَثَامًا ﴿٦٨﴾

و کسانی اند که با خدا معبودی دیگر نمی خوانند و کسی را که خدا [خونش را] حرام کرده است جز به حق نمی کشند و زنا نمی کنند و هر کس اینها را انجام دهد سزایش را ریافت خواهد کرد (۶۸)

در آخر اعصار و دوره ها، زوجین می خواهند که همدیگر را به سطح همدیگر هبوط دهند و خیال میکنند که با هبوط اخلاقی ، هر دو هم سطح شده و خوشبخت میشوند و از هم لذت می برند! متاسفانه زوجین می خواهند که همدیگر را به حالات کثیف و شیطانی ببرند تا از همدیگر لذت! ببرند. عشق همه این حالات را برای آدمیان پیش میاورد. وقتی فردی خوب توسط همسر و زوجش وسوسه و هبوط داده شود، در آن صورت فرد خوب میتواند به پایینتر هم هبوط کند و در آن موقع دیگر قابل کنترل نیست. خیلی از زنان و مردان، به خاطر توهمات عشق؛ نماز و روزه بجا نمی آورند؛ چند سال بعد؛ همان محبت ساده هم، میانشان برقرار نیست و به این طریق عشق نابود کننده خانواده هاست. عشق فقط در حیات خلوت با شیاطین امکان پذیر است، زیرا کسی که حیات خلوتش در نظام شیطانی باشد؛ دیگر درستی و نادرستی کارها برایش اهمیتی ندارد و به قول خودش؛ آب که از سر گذشت، چه یک وجب ؛ چه صد وجب.

در نظام شیطانی؛ گزاره ها بسیار متفاوت است. می گویند پر قو یا پشم گوسفند؟ آنها با مطرح کردن بعضی سوالات؛ عدالت را جابجا میکنند. در حالی که در نظام رحمانی، پر قو یا پشم گوسفند هر کدام که مقدر و قسمت شد؛ همان مناسب است. دو بچه

یک نوع اسباب بازی دارند اما با رنگهای متفاوت؛ بچه ها از آنجا که نابالغ اند و عقلشان کامل نیست؛ رنگهای متفاوت را نشانه ناعدالتی میدانند و ممکن است هر کدام بهانه بگیرد که رنگ بخصوصی را میخواهد. بچه ها باید نفسشان رشد کند تا وارد نظام رحمانی شوند و سن رشد مربوط به جسم نیست و بلکه به نفس و روان مربوط است.

در نظام غیر رحمانی، نعمات رحمانی لذت چندانی ندارند و مردم فقط دنبال میوه های نایاب هستند. مردم میوه های غیر معمول و گران را نشان تفاخر میدانند. آنان دنبال آنچیزی هستند که نایاب است. در نظام رحمانی؛ هر نعمتی اهمیت و جایگاه خودش را دارد.

وَلَا يَحُضُّ عَلَى طَعَامِ الْمِسْكِينِ ﴿٣﴾

و به خوراك معمولی ترغیب نمی کند (۳)

دولتها و ملتها مشکلات همدیگر را متوجه نمیشوند و دولتها ملتها را در مشکلات زندگی یاری نمی کنند و این برخلاف آن چیزی است که خدا در سوره العصر می فرماید (تواصوا بالحق). دیگر مردم همدیگر را به گفتار حق و نیک توصیه نمی کنند. بلکه آنان همدیگر را با چشم و هم چشمی و حسادت و رسومات خرافی اذیت میکنند . برای مثال یک بانک می گوید که وام ده درصد میدهد ولی فقط خودش میداند که این ده درصد چطوری محاسبه میشود. وقتی موقع بازگرداندن وام میشود؛ می بینید

لفظ ده درصد فقط یک فریب بوده است و محاسبات بازپرداخت بانک اصلا طور دیگری است. اینها هیچکدام تواصوا بالحق نیست.

یک ضرب المثل هست که میگوید که همه راهها به خدا ختم میشود. در حالیکه این طرز فکر کاملا اشتباه است و تنها راه راستی به خدا ختم میشود. راه راستی همان صراط المستقیم است. ما اگر طبق دستور سوره العصر عمل نکنیم؛ از صراط المستقیم ، خارج میشویم.

اگرتمام راههای ممکن پندار، کردار، گفتار را در نظر بگیریم؛ تنها یک راه در نظام رحمانی است و تنها آن راه صراط المستقیم است و بقیه راهها، راههای گمراهی و یا مغضوب علیهم است. ما در نمازهای پنجگانه از خدا میخواهیم که ما را به راه راست (راه اولی) هدایت کند و ما را از راههای گمراهی (دوم تا هفتم) دور کند و از راه غضب شده (راه هشتم) محفوظ کند.

۱	پندار نیک	کردار نیک	گفتار نیک	صراط المستقیم یا راه راستی
۲	پندار نیک	کردار نیک	گفتار بد	همزه لمزه = بدگوی عیبجویی
۳	پندار نیک	کردار بد	گفتار بد	گمراهی
۴	پندار نیک	کردار بد	گفتار نیک	گمراهی
۵	پندار بد	کردار نیک	گفتار نیک	نفاق و دورویی
۶	پندار بد	کردار نیک	گفتار بد	گمراهی
۷	پندار بد	کردار بد	گفتار نیک	شاعری
۸	پندار بد	کردار بد	گفتار بد	مغضوب علیهم = نظام کاملا شیطانی

از نظر خدا، فقط راه اولی مورد قبول است. تمام راههای دوم تا هفتم در نهایت به راه هشتم تبدیل میشوند. وقتی آدمیان تلاش خود را نکنند و عزم جدی برای توبه و اصلاح نداشته باشند، بالاخره روزی به مرحله هشتم خواهند رسید. اگر در یک صندوق سیب، یک سیب گندیده قرار دهید؛ به مرور تمام سیبهای دیگر هم خواهد گندید. گاهی یک کردار بد و یا یک گفتار بد که ادامه دار باشد و کنترل نشود؛ بمرور زمان، شما را به مرحله هشتم خواهد رسانید. مثلا کسی را در نظر بگیرید که به هرکسی میرسد، میگوید: نوکرتم، چاکرتم، خاک زیرپایتم**؛ تمام این گفتارهای مفرطانه نوعی زیاده روی و چاپلوسی است؛ ضرر مهم این نوع زیاده روی این است که در نهایت باعث گندیده شدن پندارها و کردارهای دیگر هم خواهد شد.**

در آخر عصرها و دوره ها، بیشتر مردم از نظام رحمانی خارج میشوند و دلیل اصلی هبوط همین است. در آن موقع، خدا حیات خلوتها را به هم می ریزد تا مردم به خود آیند و دوباره به نظام رحمانی برگردند. با استناد بر میزان فساد، بیماریها، حوادث ناگوار، فقر و بدبختی، و افتراق بین زوجین و جنگها در دایره ی محدود قدرتنمایی و حیات خلوت شیطان اینک ثابت شده است که شیاطین برای مدیریت کردن زمین هیچ گونه صلاحیتی ندارند و در نتیجه شیاطین ضعیف تر میشوند و قدرت آنان کمتر میشود. انسانهایی که شیطان را از خود دور می کنند، و مقام رحمانی خدا را عملا پاس می دارند، و از رفتن به حیات خلوت شیطان دست بر می دارند، دوباره در پناه خدا قرار می گیرند و براحتی میتوانند بر کیدهای شیطان غلبه کنند.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ ﴿٢٠٨﴾

ای کسانی که ایمان آورده اید همگی به اطاعت [خدا] درآیید و گامهای شیطان را دنبال مکنید که او برای شما دشمنی آشکار است (۲۰۸)

فَإِنْ زَلَلْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْكُمُ الْبَيِّنَاتُ فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٢٠٩﴾

و اگر پس از آنکه برای شما دلایل آشکار آمد دستخوش لغزش شدید بدانید که خدا توانای حکیم است (۲۰۹)